

کاربرد سیستم اطلاعات جغرافیایی و نقش از دور در برنامه‌ریزی

دوره چهارم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۲

صص ۸۴-۶۹

بررسی نقش و عملکرد شهرهای میانی در توسعه اقتصاد منطقه‌ای (مطالعه موردی: شهر نیشابور)

محسن تندیسه^۱، محمد حسین سرائی^۲، سید مصطفی حسینی^۳

mohsen.tandiseh@yahoo.com

چکیده

در کشور ایران، توجه برنامه‌ریزان به تمرکززدایی فضایی سرزمین با هدف توازن بخشیدن به نظام سکونتگاهی، کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای و دوگانگی شهری-روستایی به اتخاذ راهبردهای متفاوتی در زمینه‌ی توزیع جمعیت و شهرنشینی منجر شده است. یکی از مهم‌ترین راهبردهای موجود در این خصوص، توجه به توسعه و تقویت شهرهای با اندازه متوسط در شبکه شهری کشور است. استان خراسان با تمرکزگرایی بسیار شدیدی مواجه است به طوری که حدود نیمی از جمعیت استان در شهر مشهد سکونت دارند. لذا توجه برنامه‌ریزان و مدیران کشوری به شهرهای میانی از جمله شهر نیشابور می‌تواند در کاهش تمرکزگرایی این استان موثر واقع شود. این پژوهش با روش "کمی-تحلیلی" انجام گرفته است. به منظور تحلیل اطلاعات از روش‌های ضریب مکانی و الگوی تغییر سهم استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که شهر نیشابور در کارکرد کشاورزی خودکفا و صادرکننده محصولات کشاورزی است. همچنین دومین شهر در استان خراسان رضوی است که با ارایه کارکرد صنعتی می‌تواند در اقتصاد منطقه موثر باشد و به عنوان یک شهر میانی می‌تواند با عملکرد مطلوب به انسجام توسعه‌ی فضایی منطقه کمک کند و موثر در کاهش تجمع فضایی جمعیت و در نتیجه موجب توزیع متعالی‌تر جمعیت استان شود.

کلمات کلیدی: شهر میانی، توسعه اقتصاد منطقه‌ای، تمرکززدایی فضایی، شهر نیشابور.

^۱ - نویسنده مسئول، کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه یزد

^۲ - دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه یزد

^۳ - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد

مقدمه

از گذشته تا به امروز، در تمامی تمدن‌ها یا کشورها، شهرنشینی بارزترین نحوه‌ی تکامل جوامع انسانی به شمار می‌رود. با ظهور انقلاب صنعتی و با گسترش شتابان شهرها، مخصوصاً متروپول‌ها، جوامع انسانی ساکن در آن‌ها، با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو شده‌اند. یکی از بارزترین این مشکلات، تمرکزگرایی شدید در یک یا چند شهر و گسیختگی نظام سلسله‌مراتبی شهری در اکثر کشورها می‌باشد (Amy & McDonnell, 2005: 51). در نتیجه بسیاری از کشورها برای رفع نابرابری‌های منطقه‌ای و دستیابی به تعادل فضایی به اجرای استراتژی‌های مراکز رشد روی آوردند، اما نتایج بدست آمده ناامید کننده بودند (کلانتری، ۱۳۸۰: ۹۳). از سوی دیگر در کشورهای در حال رشد شهرهای بزرگ با عدم پیوستگی کامل با شهرهای میانی و کوچک، اکثر سطوح عالی خدماتی، اجتماعی و اقتصادی را به خود اختصاص داده‌اند و شهرهای کوچک و میانی با ارتباط ضعیف با جوامع پایین‌تر از خود به صورت فضاهای پیرامونی، حاشیه‌ای و وابسته درآمدند (زیاری و اقدم، ۱۳۸۷: ۱۵). این رشد سریع جمعیت و افزایش سهم ملی فعالیت‌های نوین اقتصادی، موجب ایجاد اختلال در ساختار و عملکرد شهری شده است، که برای مثال موجب خروج بیش از حد نیروی کار ماهر از شهرهای کوچک و میانی شده است. در نتیجه، در دهه‌های اخیر، همزمان با ایجاد گرایش به پایداری و توزیع عادلانه‌ی فعالیت‌های اقتصادی و شمار جمعیت، توجه به شهرهای میانی و کوچک افزایش یافته است (Malsoon, 1995: 48). لذا شهرهای

میانه نقش انتقال و تقویت توسعه‌ای را ایفا می‌کنند، نقشی که امکان می‌دهد هر یک از شهرها عملکرد خاص خود را در به کارگیری استعدادها و قابلیت‌های توسعه و تحریک شبکه شهری منطقه‌ای داشته باشند و مهاجرانی را که عازم شهرهای بزرگ هستند جذب نموده و شرایط کار و اشتغال آن‌ها را فراهم سازند. ضمن این که شهرهای میانی با توجه به ظرفیت جمعیتی مناسب خود حتی در مواردی می‌توانند واحدهای بزرگ صنعتی را در ارتباط با پتانسیل‌های خویش پذیرا باشند. همچنین می‌توانند امکان بهره‌گیری مناسب را در توانمندی‌های منطقه‌ای فراهم سازند (شمس، ۱۳۸۵: ۱۱۶). لذا بررسی‌های انجام گرفته در ایران و منطقه مورد مطالعه نشان می‌دهد که استان خراسان با تمرکزگرایی بسیار شدیدی مواجه است به طوری که حدود نیمی از جمعیت استان فقط در شهر مشهد سکونت دارند. بنابراین توجه برنامه‌ریزان و مدیران کشوری به شهرهای میانی از جمله شهر نیشابور می‌تواند در کاهش تمرکزگرایی این استان موثر واقع شود. از جمله توجه به کارکردها و نقش‌های مختلف اقتصادی-اجتماعی شهرهای میانی (و شهر نیشابور) می‌تواند از عوامل مهم توسعه‌زا در سطح منطقه به حساب می‌آید. در نتیجه توجه به شهرهای میانی سبب تعادل و توازن جمعیت شهری و عدم رشد نابهنجار و قطبی شدن شهرها می‌شود.

طرح مساله

در چند دهه اخیر به ویژه رشد بی‌رویه شهرهای بزرگ و بهم خوردن تعادل در شبکه شهری، ضرورت و اهمیت بررسی و تحلیل عوامل تاثیرگذار بر رشد

جمعیت شهری کشور را مطرح می‌سازد. در این رابطه با توجه به نقش مهم شهرهای میانی در نظام اسکان جمعیت و ایجاد تعادل در شبکه شهری و نیز تحرک بخشیدن به اقتصاد حوزه‌های روستایی و توسعه ناحیه‌ای، بررسی و شناخت عوامل و مکانیزم‌های رشد این دسته از شهرها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد (شکویی و زنگنه، ۱۳۸۲: ۱۱). از سوی دیگر برای تمرکززدایی و ایجاد نظام شهری متعادل‌تر، سیاست تقویت شهرهای میانی برای اولین بار در ششمین برنامه توسعه اقتصادی و اجتماعی فرانسه (۱۹۷۵-۱۹۷۱) مطرح شد (زبردست، ۱۳۸۳: ۲۶). همچنین انگیزه اصلی در مطالعه‌ی شهرهای میانی به شکل امروزی آن را در اروپای پس از جنگ باید یافت، هنگامی که نیاز به رویه‌ی جدیدی برای برنامه‌ریزی آمایش سرزمین مطرح شد که هدف آن توزیع متوازن فعالیت‌ها، منابع ثروت مردم در سطح ملی و منطقه‌ای بود (محمدزاده تیتکانلو، ۱۳۸۰: ۴۷). همچنین توجه به شهر میانی در اقتصاد جهان سوم از سال ۱۹۷۰ در جواب به اشتباهات سیاست رشد اقتصادی طی سال‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ که استقرار صنایع جدید، بزرگ مقیاس، صادرات محور و سرمایه‌گذاری صنعتی را در تعدد مراکز ناحیه‌ای دنبال می‌کرد، آغاز شد (Rondinelli, 1983: 42). راندنیلی که از پایه‌گذاران اصلی راهبرد شهرهای میانی است، مبنای عملکرد این شهرها را تدارک خدمات، برخی صنایع وابسته به کشاورزی و صنایع کوچک و نیز خدمات حمل و نقل تعریف کرده است (پاپلی یزدی و سناجردی، ۱۳۸۲: ۲۱۷). همچنین راندنیلی در مورد

شهرهای میانه می‌گوید: "تاثیر نافذ و عظیم سرمایه‌گذاری دولتی در ایجاد کلانشهرها نشان می‌دهد که دولت‌ها قادرند در رشد شهرهای متوسط از طریق سرمایه‌گذاری با تجمیع تاثیر بگذارند و توزیع متعادل تری از جمعیت شهری و فعالیت‌های تولیدی اقتصادی ایجاد نمایند (صرافی، ۱۳۷۹: ۱۳۲). از سوی دیگر در کشور ما با وجود اهمیتی که در متن برنامه‌های توسعه در دهه‌های اخیر (به ویژه برنامه‌های اول و سوم) به شهرهای متوسط داده شده، توجه چندانی به شناخت ساز و کارهای ظرفیت‌سازی و تقویت جایگاه این شهرها در کل نظام شهری به عمل نیامده است. براساس دیدگاه‌های موجود به نظر می‌رسد اهمیت دادن به نقش شهرهای متوسط در راهبردهای توسعه، گام موثری در تمرکززدایی، توزیع مجدد منابع و درآمدها و همچنین کاهش فشار بر محیط زیست شهری و مناطق مرکزی می‌باشد (محمدزاده تیتکانلو، ۱۳۸۱: ۳۴). از این رو می‌توان گفت که اهمیت و نقش شهرهای درجه دوم و سوم در دست یابی به توسعه و نهایتاً توسعه‌ی منطقه‌ای غیر قابل چشم پوشی است. نظریه شهرهای درجه دو بیشتر به توسعه‌ی درون‌زا، در مقابل جذب فعالیت‌های اقتصادی برونی تاکید دارد و در نتیجه تقویت ارتباط شهر- روستا، اهمیت یکسان بر زیربنای اقتصادی و توسعه‌ی مراکز متعدد را شامل می‌شود (موحد و مسعودی راد، ۱۳۸۸: ۱۲۶). بررسی‌های انجام گرفته در ایران و منطقه مورد مطالعه نشان می‌دهد که کارکردها و نقش‌های مختلف اقتصادی- اجتماعی شهرهای میانی (وشهر نیشابور) از عوامل مهم توسعه‌زا در سطح منطقه به

محدوده مورد مطالعه

استان خراسان رضوی در شمال شرق کشور به دلیل داشتن استعدادهای کشاورزی، صنعتی و خدماتی دارای اهمیت فراوان است. توسعه ناموزون منطقه‌ای، توسعه نیافتگی و تمرکز جمعیت در مرکز این استان، ضرورت آزمون و بررسی کارکردهای شهرهای میانی و کوچک را برای منطقه‌ی مورد نظر مطرح می‌سازد. بر اساس آخرین تقسیمات سیاسی سال ۱۳۹۰ استان خراسان رضوی دارای ۲۷ شهرستان، ۶۹ بخش، ۷۲ شهر و ۱۶۳ دهستان بوده است و در سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۰ جمعیت استان ۵۹۹۴۴۰۲ نفر اعلام شده که ۷۱.۹۲ آنها در شهرها زندگی کرده و مابقی را روستاییان تشکیل می‌دهند. مرکز شهرستان نیشابور در ۱۲۰ کیلومتری غرب مشهد در سال ۱۳۹۰، دارای جمعیت ۲۷۰۳۰۱ نفر بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). همچنین شهرستان نیشابور دارای ۶۲.۴ درصد شهرنشینی می‌باشد. با توجه به بررسی ظرفیت‌های محیطی و منطقه‌ای، شهر دارای قابلیت‌های زیر است:

- ۱- قابلیت استعداد فعالیت‌های کشاورزی به مناسبت برخورداری از زمین‌های مناسب
- ۲- قابلیت در بخش خدمات به عنوان شهری میان راهی و نیز شهری مرکزی در محدودی مناطق روستایی پیرامون خود
- ۳- قابلیت توسعه‌ی نواحی و اشتغال‌های صنعتی به مناسبت وجود راهها، زیرساخت لازم و فضای مناسب جهت سرمایه‌گذاری اقتصادی بخش خصوصی (موحد و مسعودی راد، ۱۳۸۸: ۱۳۴).

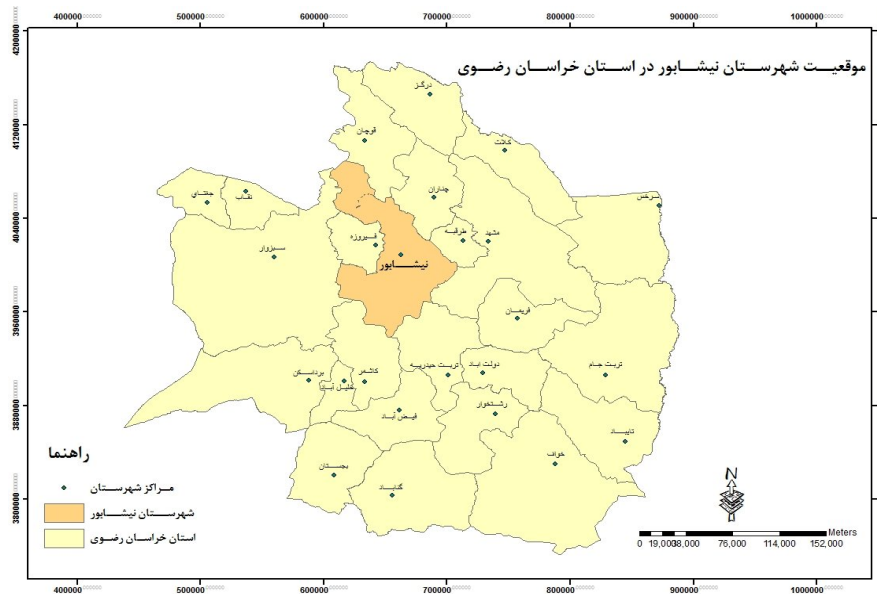
حساب می‌آید. شهر نیشابور که از ویژگی‌های شهرهای میانی برخوردار است می‌تواند عامل رشد اشتغال و ثروت و رفاه عمومی و جذب جمعیت در منطقه شده و موجب ایجاد زیرساخت‌های بهتر و فراهم شدن پایه‌ها و زیرساخت‌های لازم، جهت ایجاد سایر فعالیت‌ها از جمله خدمات و منابع جدید شود و سبب سرایت این رشد به نقاط پیرامونی شود. لذا بررسی شهر نیشابور در بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات به عنوان یک شهر میانی می‌تواند بر افزایش نقش منطقه‌ای و محلی آن تاثیر بسزایی داشته باشد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف از نوع پژوهش کاربردی و روش بررسی آن مبتنی بر رویکرد کمی-تحلیلی است. در این پژوهش ابتدا با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای، ابعاد اولیه موضوع مورد بررسی قرار گرفت. سپس با استفاده از روش اسنادی داده‌های مورد نیاز از مرکز آمار ایران در دوره زمانی ۱۳۷۵-۱۳۸۵ جمع آوری شد. سپس با بهره‌گیری از روش تحلیل ثانویه و الگوهای اقتصادی، ضریب مکانی^۱ و تغییر سهم^۲ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت تا وضعیت این شهر در شبکه شهری کشور و استان مشخص گردد. در روش تغییر سهم شهرستان را نسبت به اقتصاد مرجع استان و اقتصاد مرجع کشور مورد سنجش قرار می‌گیرد و در روش ضریب مکانی شهرستان نیشابور نسبت به منطقه (استان خراسان رضوی) مورد محاسبه قرار گرفته است.

۱. Location Quotient

۲. shift and share model



شکل ۱: نقشه موقعیت جغرافیایی شهرستان نیشابور در استان خراسان رضوی (منبع: نگارندگان)

مبانی و مفاهیم نظری

مفهوم شهر میانی

جهت بررسی شهرهای میانی، در ابتدا باید به این سوال پاسخ داد که شهر میانی به چه در مقیاس از سکونتگاه باید گفت، آیا مقیاس میانه در همه کشورها یکسان است؟ زمانی که در یک کشور اندازه جمعیت بزرگترین شهر، در حد جمعیت شهر کوچک یا متوسط کشور دیگری است، لزوماً مقیاس شهر متوسط آن نیز با اندازه شهرهای مختلف خود آن کشور تعریف می‌شود. در واقع اندازه میانه در هر کشور با اندازه بزرگترین و کوچکترین شهر همان سرزمین مشروط می‌شود. اما آیا فاصله‌ای خاص برای شهرهای میانه نسبت به حد بالا و پایین سکونتگاه هرسرزمین می‌توان برشمرد؟ فیلهو با استفاده از نظریه‌های لاژوژی به این نکته اشاره دارد که شاید

تنها چیزی که بتوان در این ارتباط تعیین کرد، دامنه‌ای است که در آن تعدادی از شهرها را می‌توان "اندازه متوسط" نامید. او اعتقاد دارد بهتر است که آنها را شهرهایی با "بعد متوسط" نه لزوماً اندازه متوسط به معنای عملکردی آن بنامیم (امکچی، ۱۳۸۳: ۱۳). راندینلی شهرهای ۱۰۰ هزار نفر و بالاتر را بدون در نظر گرفتن بزرگترین شهر کشور، شهر میانی می‌نامد (Randinlli, 1983: 4). در ایران، بحث از شهرهای متوسط (میانه) اولین بار و به طور رسمی در گزارش آمایش سرزمین (ستیران، ۱۳۵۶) به میان آمده و طبقه بندی بین ۲۵ تا ۲۵۰ هزار تن را برای این شهرها برگزیده‌اند (ارجمندنیا، ۱۳۶۸: ۶۳). نظریان، شهرهای متوسط را دارای ۲۵۰ تا ۵۰۰ هزار نفر می‌داند (نظریان، ۱۳۷۴: ۱۵۹). رقم ۵۰۴۰ نفری در نظر افلاطون برای شهر شایگان مترادف با یک شهر متوسط بوده است (زنجانی،

رشد، بویژه شهرهای میانی در سلسله مراتب شهری، و توجه به آن‌ها در تعیین استراتژی‌ها تاکید می‌کند و می‌گوید: یکی از راه‌های پراکنده کردن فعالیت‌های اقتصادی از شهرهای بزرگ، سرمایه‌گذاری در شهرهای میانی است (امکچی، ۱۳۷۱: ۲۵-۲۹). راندینلی بر این باور است که توسعه‌ی شهرهای میانی، وسیله‌ای برای گسترش فواید شهرنشینی بخش بزرگی از جمعیت کشورها و کاهش تبعیض‌های بین مناطق است. همچنین اگر مسائل حاد تمرکز شدید جمعیت شهری از انگیزه‌های تقویت شهرهای متوسط است، این نکته که توسعه‌ی روستایی و شهری ارتباط تنگاتنگی دارند، نشان می‌دهد. که شهرهای متوسط می‌توانند نقش مهمی، به عنوان کنشیار، برای توسعه‌ی روستایی ایفا کنند و رشد اقتصادی برابرگرا را در نواحی روستانشین تشویق کنند، گفتنی است که کارشناسان و تحلیلگران بانک جهانی نیز بر این امر تأکید می‌ورزند. به طور مثال، "هری ریچاردسون" در مطالعاتی که برای بانک جهانی انجام داده، راهبرد شهرهای متوسط را موجد همبستگی فضایی ملی و موجب گسترش نوع آوری‌های فنی و اجتماعی از نواحی مادرشهر، تمرکززدایی فرصت‌های شغلی، تجاری کردن کشاورزی و توزیع عادلانه‌تر رفاه میان شهرها و مناطق دانسته است (حاتمی نژاد و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۸).

در پژوهش حاضر شهرهایی با جمعیت ۱۰۰ تا ۲۵۰ هزار نفر را شهر میانی در نظر گرفته است.

ویژگی اقتصادی شهر میانی

۱۳۷۰: ۸۴). در طرح آمایش سرزمین شهرهای ۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفری شهرهای متوسط کوچک و شهرهای ۱۰۰ تا ۲۵۰ هزار نفری، شهرهای متوسط محسوب شده‌اند (رهنمایی و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۲).

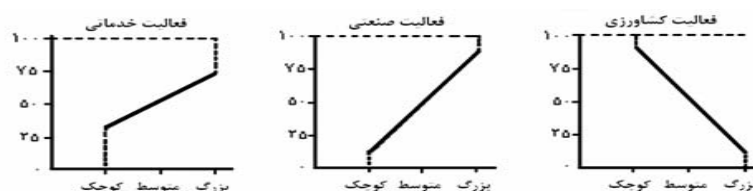
نظریات راجع به شهرهای میانی

ام. پراکاش. ماتور می‌گوید: «برخی تحلیلگران بر این باورند که شهرهای میانی باید عملکرد مرکزیت مکانی را به عهده بگیرند که مشتمل بر فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی آنان است». کلاس کونزمان می‌گوید: «شهرهای میانی، بنا به موقعیت جغرافیایی شان، می‌توانند سه عملکرد داشته باشند:

- ۱- عملکرد تولیدی، شامل تهیه کالا و ارائه خدمات برای مناطق کشاورزی اطراف؛
- ۲- عملکرد توسعه‌ای از طریق ایجاد، حمایت و تشویق توسعه اقتصادی و اجتماعی در منطقه؛
- ۳- عملکرد تسکینی یا تعدیلی به شکل جهت دادن و منحرف ساختن فشارهای توسعه از مادرشهر به مناطق شهری انتخاب شده در حاشیه و اطراف مادرشهر (باقری ۱۳۷۷: ۹۰). آلونسو توسعه و تقویت شبکه‌ای از شهرهای متوسط را که از پیش قابلیت پذیرش جمعیت بیشتری را از خود داده‌اند، در تکمیل شبکه شهری، مناسب دانسته است و برای تکمیل شبکه اسکان و برقراری حلقه رابط مناسب در ایجاد تعادل بین زیستگاه‌های شهری و روستایی، وجودشان را الزامی می‌داند. ج. اچ. شورت با مهم تلقی کردن نقش دولت و تصمیمات دولتی در خصوص سرمایه‌گذاری در بخش‌ها و فضاها و ارتباط مستقیم آن با الگوی نظام شهری، بر نقش مراکز

به نیروی کار زیاد نیازمندند، ایجاد می‌کند. از سوی دیگر، این گروه از شهرها به دلیل موقعیت مکانی خود بازاری برای محصولات کشاورزی مراکز اطراف خود محسوب شده و علاوه بر مصرف این محصولات به دلیل تقاضای جمعیت به عنوان کانال عبور این محصولات به شبکه تجاری سرزمین نیز عمل می‌نمایند (رهنمایی، شعبانی فرد و اکبرپور، ۱۳۸۸: ۳۳).

شهر میانی از نظر اقتصادی، مستعد برترین فعالیت‌های تجاری و خدماتی، همراه با اشتغال در صنایع کارخانه‌ای که عمدتاً در بخش صنایع با مقیاس کوچک تمرکز یافته، هستند (باقری، ۱۳۷۷: ۸۹). شهرهای میانی مقیاس به دلیل افزایش سهم خود از جمعیت به درصد مناسبی از نیروی کار دست می‌یابند که موقعیت خوبی برای تأسیس منابع و واحد اقتصادی که در مراحل نخست سرمایه نبوده و



شکل ۲: نمودار رابطه بین اندازه شهر و فعالیت‌های اقتصادی (منبع: باقری، اشرف السادات، ۱۳۷۷: ۸-۹)

مقیاس شهر نسبت عکس داشته و به طور معکوس تغییر می‌کند (امکچی، ۱۳۷۱: ۱۸).

نتایج و بحث

ارزشیابی کارکرد اقتصادی شهر نیشابور

جهت ارزشیابی کارکرد اقتصادی شهر نیشابور از الگوی ضریب مکانی و الگوی تغییر سهم استفاده شده است. ضریب مکانی، یکی از نظریه‌های شناخته شده‌ی رشد اقتصاد پایه است که برای شناسایی و مطالعه‌ی بخش‌های پایه و غیرپایه در مناطق مختلف به کار می‌رود. معمولاً، نسبت میان اشتغال غیرپایه به اشتغال پایه را "نسبت اقتصاد پایه" می‌گویند. عدد بالاتر از یک نشان دهنده‌ی شرایط پایه‌ای بودن بخش اقتصادی و توان صادراتی شهر در سطح استان است. عدد کمتر از یک نیز نشانگر آن است که شهر در فعالیت‌های اقتصادی دارای شرایط

ویژگی‌های اجتماعی شهر میانی

شهرهای میانی از حیث اجتماعی دارای خصوصیتی مشابه و در عین حال متفاوت با شهرهای ما قبل و ما بعد خود می‌باشند. در این گروه از شهرها شباهت به شهرهای بزرگ به دلیل غلبه فعالیت‌های بازرگانی و خدماتی و شباهت شان به شهرهای کوچک ناشی از اشتغال بخش وسیعی از جمعیت به فعالیت‌های کشاورزی است. این اختلاط، سیمای خاصی به شهرهای میانی می‌بخشد و همزمان با وجود برخی مطلوبیت‌های زندگی در شهرهای بزرگ، کیفیاتی از حیات روستایی و سکونتگاه‌های کوچک را بدان القاء می‌نماید. اصولاً نرخ رشد و نرخ مهاجرت به داخل، همسو با مقیاس شهر تغییر می‌کند و با آن رابطه مستقیم دارد، در حالی که نرخ مهاجرت به بیرون با

پایه‌ای نیست و عدد برابر یک، نشانگر خود کفایی شهر در فعالیت‌های اقتصادی است. بنابراین شهر نیشابور، قابلیت زیادی برای تبدیل شدن به قطب کشاورزی، صنعتی و در نهایت خدماتی در منطقه دارد. این قابلیت با استفاده از روش تحلیل ضریب مکانی^۱ نیز مورد تایید قرار گرفته است. آن چنان که جدول ۱ نشان می‌دهد، شهر میانی نیشابور می‌تواند با داشتن توانایی نسبی در زمینه فعالیت‌های کشاورزی و صنعتی (در مقایسه با سایر شهرهای میانی استان)، در توسعه اقتصاد منطقه‌ی خود نقش موثری ایفا کند.

$$L.Q = \frac{\text{المنطقه في مجال اداء المنطقة / كل المنطقه في منطقه ا}}{\text{المنطقه في مجال اداء كل منطوقه / كل المنطقه في المنطقه}}$$

جدول ۱: مقایسه میزان ضریب مکانی شهر نیشابور نسبت به مرکز شهرستان و سایر شهرهای میانی استان خراسان رضوی در سال ۱۳۸۵ (منبع: محاسبات نگارندگان)

شهر	L.Q (کشاورزی)	L.Q (صنعت)	L.Q (خدمات)
نیشابور	۱.۶۹	۸۷.۰	۰.۷۴
مشهد	۰.۲۲	۱.۲	۱.۲۵
سبزوار	۱.۷۶	۰.۷۴	۸۱.۰
تربت حیدریه	۱.۷۵	۶۶.۰	۸۶.۰
قوچان	۱.۳۱	۸۷.۰	۰.۹۳

موضوع در آن است که فعالیت‌های پایه‌ای ضمن برآورده ساختن نیازهای ساکنان منطقه‌ی خود، با صدور کالاها و خدمات به بیرون از آن، می‌توانند میزان درآمد منطقه‌ی خود را افزایش دهند.

بر اساس جدول ۱، میزان فعالیت‌های این شهر در یک بخش اقتصادی (کشاورزی) از نوع پایه‌ای محسوب می‌شود. در بخش صنعت می‌توان با برنامه‌ریزی و توجه به قابلیت‌های بالقوه برای ارتقا این بخش به یک بخش پایه تبدیل شود. اهمیت این

جدول ۲: مقایسه تغییرات ضریب مکانی در شهر نیشابور نسبت به استان خراسان رضوی (۸۵-۱۳۷۵) (منبع: محاسبات نگارندگان)

شهر	فعالیت	L.Q 75	L.Q 85
نیشابور	کشاورزی	۱.۴	۱.۶۹
	صنعت	۰.۹۹	۰.۸۷
	خدمات	۰.۷۶	۰.۷۴

کاهش ۰.۷۴ درصد را نشان می‌دهد که این امر نشان دهنده عدم رشد، افت و راکد ماندن فعالیت‌های خدماتی در شهرستان نیشابور می‌باشد.

بر اساس جدول ۲، شهر نیشابور طی سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵، در زمینه‌ی فعالیت‌های کشاورزی صادرکننده بوده و این بخش به عنوان بخش پایه‌ای اقتصادی عمل نموده و در دوره مذکور رشد نیز داشته است. شهر نیشابور در زمینه‌ی فعالیت‌های صنعتی، در سال ۷۵، خودکفا و در سال ۸۵ دوباره به بخش غیر پایه تبدیل شده یعنی تا سال ۷۵ توانایی پاسخگویی به نیازهای صنعتی منطقه و بیش از منطقه را داشته، اما در سال ۸۵ دچار افت فعالیت‌های صنعتی شده است. بخش خدمات در شهرستان نیشابور در سال ۷۵ با میزان ۰.۷۶ درصد، خودکفا نبوده که این میزان در سال ۸۵ با اندکی

۲-۳- عملکرد اقتصادی شهر نیشابور طی ۸۵-

۱۳۷۵

یکی دیگر از روش‌های ارزشیابی کارکرد اقتصادی در شهرهای میانی، روش تغییر سهم^۱ است که برای

$$A = \frac{ER_{85}}{ER_{75}} - 1 = \text{کل اتغال در اقتصاد مرجع}^1$$

$$B = \frac{E_{i85}}{E_{i75}} - \frac{ER_{85}}{ER_{75}} = \text{اتغال در بخش } \alpha \text{ در اقتصاد مرجع}$$

EI

شهرستان مثبت که این بخش برنده مختلط اقتصادی و سرعت رشد بیشتر شهر را نسبت به کل اقتصاد مرجع است، در بخش صنعت، فروش و حمل و نقل ضریب رشد در استان مثبت و در شهرستان منفی است که این بخش‌ها بازنده مختلط اقتصادی و عقب ماندگی آن را نسبت به کل اقتصاد مرجع را نشان می‌دهد.

تحلیل و پیش بینی شرایط اقتصادی و اشتغال سطوح جغرافیایی، زیر منطقه و بالاتر از شهر می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. در روش تغییر سهم تفاوت رشد بخش‌های اقتصادی شهر در مقایسه با رشد بخش‌ها در سطح اقتصاد مرجع را بررسی می‌کند (زیاری، ۱۳۷۸: ۱۳۴). با استفاده از این روش موقعیت شهر نیشابور در مقایسه با اقتصاد مرجع (استان) و هم اقتصاد مرجع (کشور) محاسبه شده است. در جدول ۳، اشتغال بخش‌های مختلف استان و شهرستان در همه بخش‌ها طی این دوره افزایش یافته است. برابر محاسبات انجام شده که در جدول ۳ ارائه شده نرخ رشد کل اقتصاد مرجع استان برابر ۰.۴۶۴۸ است. در جدول ۳، بخش کشاورزی در سطح اقتصاد مرجع استان کاهش و در سطح شهرستان افزایش اشتغال داشته است. ضریب رشد استان منفی و ضریب رشد شهرستان مثبت می‌باشد که این بخش برنده مختلط اقتصادی است. بخش معدن در سطح استان و شهرستان افزایش بسیاری یافته و همچنین بخش‌های ساختمان، خدمات مالی و فعالیت‌های نامشخص روند افزایشی در این دوره طی کرده است که نرخ رشد در هر دو سطح مثبت می‌باشد که این بخش‌ها برنده اقتصادی هستند. در بخش‌های صنعت، آب و برق و گاز، فروش و حمل و نقل شاهد افزایش اشتغال هستیم. در بخش آب و برق و گاز ضریب رشد در استان منفی و در سطح

$$C = \frac{EL_i^{23}}{EL_i^{73}} - \frac{ER_i^{23}}{ER_i^{73}}$$

اشتغال بخش ای در سطح محلی

$$= ER_i = \text{اشتغال بخش آی در سطح مرجع و } EL_i$$

جدول ۳: بررسی بخش‌های مختلف اقتصادی شهرستان نیشابور بر مبنای اقتصاد مرجع استان دوره ۷۵ و ۸۵ (منبع: محاسبات نگارندگان)

ردیف	گروه‌های عمده فعالیت	استان		شهرستان		A رشد اقتصاد مرجع	B رشد نسبی بخشهای اقتصادی در کل اقتصاد مرجع	C مرجع عملگر دهه‌ها بخش در سطح عملگر دهه‌ها بخش در شهرستان به A+B+C	شهرستان نیشابور در سال ۱۳۹۵	پیش بینی اشتغال
		۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵					
۱	کشاورزی	۳۲۰۵۳۸	۳۹۴۳۱۹	۴۱۶۴۱	۵۹۰۸۰	۰.۴۶۴۸	-۰.۲۳۴۷	۰.۱۸۸۷	۸۳۸۲۲.۷	۰.۴۱۸۸
۲	معادن	۳۶۰۹	۶۳۵۶	۱۶۸	۷۹۷	۰.۴۶۴۸	۰.۲۹۶۳	۲.۹۸۲۹	۳۷۸۰.۹	۳.۷۴۴
۳	صنعت	۲۰۶۱۵۴	۳۰۲۶۰۵	۲۲۸۶۹	۲۵۳۷۹	۰.۴۶۴۸	۰.۰۰۳	-۰.۳۵۸۱	۲۸۱۶۳	۰.۱۰۹۷
۴	آب، برق و گاز	۱۲۱۹۱	۱۷۷۲۴	۷۳۵	۱۱۱۲	۰.۴۶۴۸	-۰.۰۱۰۹	۰.۰۵۹۱	۱۶۸۲	۰.۵۱۳
۵	ساختمان	۱۳۴۶۳۳	۲۳۴۵۵۳	۹۰۷۵	۱۶۰۱۲	۰.۴۶۴۸	۰.۲۷۷۳	۰.۰۲۲۳	۲۸۲۵۱	۰.۷۶۴۴
۶	فروش	۱۶۰۹۵۷	۲۵۹۴۳۹	۱۰۱۱۹	۱۵۵۳۴	۰.۴۶۴۸	۰.۱۴۷	-۰.۰۷۶۷	۲۳۸۴۶	۰.۵۳۵۱
۷	حمل و نقل	۶۸۸۲۳	۱۳۹۸۴۸	۵۵۱۳	۱۰۴۳۰	۰.۴۶۴۸	۰.۵۶۷۲	-۰.۱۴۰۱	۱۹۷۳۲	۰.۸۹۱۹
۸	خدمات مالی	۲۱۸۸۷	۵۲۵۹۸	۱۰۸۹	۳۰۵۷	۰.۴۶۴۸	۰.۹۳۸۳	۰.۴۰۴	۸۵۸۱	۱.۸۰۷۱
۹	خدمات اجتماعی	۲۳۶۶۸۹	۲۹۹۸۰۸	۱۷۷۸۷	۲۰۶۷۰	۰.۴۶۴۸	-۰.۱۹۸۲	-۰.۱۰۴۶	۲۴۰۱۸	۰.۱۶۲
۱۰	فعالیت‌های نامشخص	۲۱۹۸۵	۳۲۲۵۷	۱۴۵۷	۲۵۵۵	۰.۴۶۴۸	۰.۰۰۲۴	۰.۲۸۶۴	۴۴۸۰	۰.۷۵۳۶
	جمع	۱۱۸۷۴۶۶	۱۷۳۹۵۰۵	۱۱۰۴۵۳	۱۵۴۶۲۶	-	-	-	۲۲۶۳۵۶۶	-

رتبه‌های بعد از معدن جای دارند. در جدول ۴، نرخ رشد کل اقتصاد مرجع کشور برابر ۰.۴۰۵۲ می‌باشد. در بخش کشاورزی و معدن شهرستان نیشابور از ضریب رشد مثبتی برخوردار است و این دو بخش از شهرستان دارای مزیت نسبی می‌باشد و افزایش اشتغال را شاهد هستیم اما در سطح اقتصاد مرجع کشور ضریب رشد منفی است که این بخش‌ها برنده مختلط اقتصادی می‌باشند. در بخش فروش، حمل و نقل و فعالیت‌های نامشخص در سطح کشور ضریب رشد مثبت و در سطح شهرستان ضریب رشد منفی که نشان دهنده این است که شهرستان با عدم مزیت نسبی در این بخش‌ها روبروست و این بخش‌ها را

در بخش خدمات اجتماعی در هر دو سطح استان و شهرستان ضریب رشد منفی است که موجب کاهش اشتغال شده که این بخش بازنده اقتصادی نامیده می‌شود. در جدول ۳ ستون آخر، پیش بینی اشتغال^۱ شهرستان نیشابور را در سال ۱۳۹۵ با استفاده از روش تغییر سهم نشان می‌دهد. همان طور که مشاهده می‌شود بیشترین افزایش اشتغال مربوط به بخش معدن است که نسبت به سایر بخش‌ها از افزایش اشتغال بیشتری برخوردار می‌باشد و بخش‌های خدمات مالی، حمل و نقل و ساختمان در

^۱ اشتغال دوره بعد = کل اشتغال سال پایه + اشتغال سال پایه × (A+B+C)

بازنده مختلط اقتصادی گویند. در بخش صنعت و ضریب رشد منفی می‌باشد و این بخش‌ها بازنده خدمات اجتماعی در هر دو سطح کشور و شهرستان اقتصادی می‌باشند.

جدول ۴: بررسی بخش‌های مختلف اقتصادی شهرستان نیشابور بر مبنای اقتصاد مرجع کشور دوره ۷۵ و ۸۵ (منبع: محاسبات نگارندگان)

ردیف	گروه‌های عمده فعالیت	کشور		شهرستان		رشد اقتصاد مرجع A	رشد نسبی بخشهای اقتصادی در کل اقتصاد B	نسبت به عملکرد همان بخش در سطح مرجع C	عملکرد هر بخش در شهر
		۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۷۵				
۱	کشاورزی	۳۳۵۷۲	۳۶۸۶۷	۴۱۶۴۱	۵۹۰۸۰	۰.۴۰۵۲	-۰.۳۰۷۰	۰.۳۲۰۷	
۲	معادن	۱۱۹۸۸	۱۵۲۲۵	۱۶۸	۷۹۷	۰.۴۰۵۲	-۰.۱۳۵۲	۳.۴۷۴	
۳	صنعت	۲۵۵۱۹	۳۴۸۵۱	۲۲۸۶۹	۲۵۳۷۹	۰.۴۰۵۲	-۰.۰۳۹۵	-۰.۲۵۶	
۴	آب و برق و گاز	۱۵۰۶۳	۲۲۴۸۱	۷۳۵	۱۱۱۲	۰.۴۰۵۲	۰.۰۸۷۲	۰.۰۲۰۵	
۵	ساختمان	۱۶۵۰۴	۲۶۳۱۱	۹۰۷۵	۱۶۰۱۲	۰.۴۰۵۲	۰.۱۸۸۹	۰.۱۷۰۳	
۶	فروش	۱۹۲۷۰	۳۰۱۹۴	۱۰۱۱۹	۱۵۵۳۴	۰.۴۰۵۲	۰.۱۶۱۷	-۰.۰۳۱۷	
۷	حمل و نقل	۹۷۲۷۹	۱۹۴۱۹	۵۵۱۳	۱۰۴۳۰	۰.۴۰۵۲	۰.۵۹۱	-۰.۱۰۴۳	
۸	خدمات مالی	۳۰۱۹۶	۷۱۴۵۷	۱۰۸۹	۳۰۵۷	۰.۴۰۵۲	۰.۹۶۱۲	۰.۴۴۰۷	
۹	خدمات اجتماعی	۳۲۸۲۵	۴۱۳۲۷	۱۷۷۸۷	۲۰۶۷۰	۰.۴۰۵۲	-۰.۱۴۶۲	-۰.۰۹۶۹	
۱۰	فعالیت‌های نامشخص	۲۵۷۰۲	۴۸۷۵۰	۱۴۵۷	۲۵۵۵	۰.۴۰۵۲	۰.۴۹۱۵	-۰.۱۴۳	
	جمع	۱۴۵۷۱	۲۰۴۷۶	۱۱۰۴۵	۱۵۴۶۲	-	-	-	
		۵۷۲	۳۴۴	۳	۶				

در بخش‌های آب و برق و گاز، ساختمان و خدمات مالی ضریب رشد در هر دو سطح کشور و شهرستان

مثبت است که این بخش‌ها دارای مزیت نسبی می‌باشند که سهم بیشتری از اشتغال دارا هستند و این بخش‌ها برنده‌ی اقتصادی هستند.

نتیجه‌گیری

رشد بیش از حد شهرنشینی در سه دهه اخیر علاوه بر افزایش جمعیت شهرها موجبات ناموزونی در تعادل منطقه‌ای ایران شده و در این زمینه تقویت و گسترش شهرهای کوچک و میانی می‌تواند به عنوان راهکارهای مناسب برای تعادل منطقه‌ای قلمداد شود و این امر تنها با سیستم مدیریتی صحیح و همه جانبه در همه ارکان شهر با توجه به پتانسیل‌های شهرهای کوچک و میانی میسر خواهد شد. همچنین رشد و توسعه این شهرها باید با توجه به نقش و کاربرد آن‌ها در فضای منطقه‌ای و طبق برنامه‌ریزی مدول و متعادل کنترل شود که بی شک از طریق مهیا کردن وسایل رشد و پیشرفت شهرهای کوچک و میانی و تبعیت از سیاست توسعه از پایین است، به نحوی که در فرایند توسعه، یک سیستم شهری بسط یابد و به صورت ارگانیک تثبیت شود. شهر میانی نیشابور به سبب برخورداری از زیر ساخت‌ها و توانمندی‌ها بالفعل و بالقوه در رفع عدم تعادل‌های اقتصادی- اجتماعی منطقه‌ای و ایجاد توسعه‌ی عادلانه‌ی متوازن در استان خراسان رضوی، نقش بسیار موثری ایفا می‌نماید. شهر نیشابور بعد از شهر مشهد صنعتی‌ترین شهر استان در رتبه دوم قرار دارد. این شهر در بخش کشاورزی خود کفا است و صادر کننده کالا و خدمات کشاورزی می‌باشد و می‌تواند در این بخش فرا منطقه‌ای نیز عمل کند. در

بخش خدمات این شهر خود کفا نبوده اما می‌توان با توجه به این بخش در آینده بسیار نزدیک آن را به بخش پایه‌ای اقتصاد و صادر کننده تبدیل ساخت. شهر نیشابور در بخش صنعت با ضریب مکانی ۸۷ درصد، نسبت به دیگر شهرهای میانی استان بالاترین درصد را دارا باشد. از نظر تعداد شاغلین در کارگاه‌های بزرگ صنعتی و تعداد کارگاه‌های صنعتی بعد از شهر مشهد در رتبه دوم استان قرار دارد و در میان شهرهای میانی اولین شهر میانی استان است. با توجه به نتایج بدست آمده از الگوی تغییر سهمی (جدول شماره ۴ و ۵) رشد بخش‌های اقتصادی کشاورزی، معدن، آب و برق و گاز، ساختمان و خدمات مالی در سطح شهرستان به سطح اقتصاد مرجع استان و کشور دارای رشد مثبتی و از رشد بیشتری برخوردار است. می‌توان گفت که میزان بالای رشد این بخش‌ها از متوسط رشد منطقه، موجب افزایش میزان رشد منطقه‌ای می‌شود و اشتغال بیشتری را فراهم می‌کند. در مجموع شهرستان نیشابور با دارا بودن توانمندی در بخش‌های کشاورزی و صنعت و در نهایت خدمات می‌تواند قابلیت جذب جمعیت و سرمایه‌ی منطقه‌ای شده و کاهش تجمع فضایی جمعیت موثر باشد و توزیع متعادل‌تر جمعیت استان را موجب گردد و روند صعودی عدم تعادل منطقه‌ای را کاهش دهد و موجب متعادل‌تر شدن منطقه شود.

پیشنهادها:

- ایجاد پایه اقتصادی و مالی و جاذبه‌های سرمایه‌گذاری در شهر نیشابور.

- ایجاد زیرساخت‌های فنی، سوخت و انرژی، آب، شبکه فاضلاب، ارتباطات و حمل و نقل می‌تواند در جذب سرمایه موثر باشد.
- توجه به امکانات و توان‌های محیطی و محلی شهر نیشابور.
- رفع کمبودهای خدماتی، آموزشی، بهداشتی شهر به خاطر جلوگیری از مهاجرت جمعیت به شهرهای بزرگ تر.
- تقویت نهادها و موسسات سیاست‌گذار و برنامه‌ریزان محلی.
- ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی، سیستم مالی و اعتباری، سرمایه‌گذاری، خدمات بانکی، انبارداری و نگهداری و ذخیره سازی.
- ایجاد زیرساخت‌های اجتماعی، مسکن، آموزش و بهداشت.
- ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی در شهر نیشابور.
- اعمال سیاست‌های تعدیلی بین بخش‌های مختلف اقتصاد کشاورزان و صنعت و خدمات.
- اعمال سیاست‌های هدایتی و ارشادی برای ساختار اقتصادی کشاورزی سنتی به کشاورزی مدرن.

منابع

- ۱- ارجمندنیا، اصغر (۱۳۷۰). نقش شهرهای میانه در نظام اسکان جمعیت. اطلاعات سیاسی- اقتصادی. موسسه اطلاعات. شماره ۲۹.
- ۲- امکچی، حمیده (۱۳۸۳). شهرهای میانی و نقش آنها در چارچوب توسعه ملی. مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران. تهران.
- ۳- امکچی، حمیده (۱۳۷۱). شهرهای میانی و نقش آنها در چارچوب توسعه ملی. مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی. وزارت مسکن و شهرسازی. جلد اول.
- ۴- باقری، اشرف السادات (۱۳۷۷). کارکرد شهرهای میانی در توسعه ناحیه ای. فصلنامه مدرس. شماره‌های ۹-۸.
- ۵- پاپلی یزدی، محمدحسین، سناجردی، حسین رجبی (۱۳۸۲). نظریه‌های شهر و پیرامون. چاپ اول. سمت. تهران.
- ۶- حاتمی نژاد، حسین، پورحسین، حمید، محمدپور، صابر، منوچهری میاندوآب، ایوب (۱۳۹۰). تحلیل عملکرد فضایی شهر میانی مرنند در سطح شهرستان مرنند. پژوهش‌های جغرافیای انسانی. شماره ۷۸. صص ۲۳-۴۳.
- ۷- رهنمایی، محمد تقی، شعبانی فرد، محمد، اکبریور سراسکانرود، محمد (۱۳۸۸). توسعه استراتژیک شهرهای میانی ایران با تاکید بر راهی به
- ۸- زبردست، اسفندیار (۱۳۸۳). اندازه شهر. وزارت مسکن و شهرسازی. چاپ اول. تهران.
- ۹- زنجانی، حبیب ا... (۱۳۷۰). اندازه مطلوب جمعیت در شهر سالم. سخنرانی در سمپوزیوم شهر سالم. مجله آبادی.
- ۱۰- زیاری، کرامت ا... (۱۳۷۸). اصول و روش‌های برنامه‌ریزی منطقه ای. انتشارات دانشگاه یزد.
- ۱۱- زیاری، کرامت ا...، تقی اقدم، جعفر (۱۳۸۷). عملکرد شهر میانی خوی در توسعه فضایی استان آذربایجان غربی. فصلنامه‌ی پژوهش‌های جغرافیایی. شماره ۶۳، ۲۸-۱۵.
- ۱۲- شکویی، حسین، زنگنه، یعقوب (۱۳۸۲). تحلیل تحولات بازار نیروی کار شهرهای میانی کشور در فاصله سال‌های ۷۵-۱۳۳۵. مجله تحقیقات جغرافیایی. شماره ۶۸.
- ۱۳- شمس، مجید (۱۳۸۵). نقش شهرهای میانی در توسعه فضایی استان همدان با نگرش به شهر ملایر. فصلنامه‌ی چشم انداز جغرافیایی. شماره ۲. سال اول.
- ۱۴- صرافی، مظفر (۱۳۷۹). مبانی برنامه‌ریزی توسعه منطقه ای. چاپ دوم. انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.

to Quantity Melbourne Urban-Rural Gradient, Landurbplan Journal.

24- Malsoon min. (1990) Growth of small and intermediate cities in korea , 1975-1980.korean journal of popula-tion and development. vol. 48.

25- Rondinelli, Dennis A (1983), Sec-ondary Cities in Developing Countries, Sage Publications, Vol. 42-47.

۱۵- کلانتری، خلیل (۱۳۸۰). برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای (تئوری‌ها و تکنیک‌ها). چاپ اول. انتشارات خوشبین.

۱۶- محمدزاده تیتکانلو، حمیده (۱۳۸۰). شهرهای متوسط و جهانی شدن جهان نگاهی به بیانیه لیدیا. فصلنامه مدیریت شهری. ۸۱-۸۲.

۱۷- محمدزاده تیتکانلو، حمیده (۱۳۸۱). ظرفیت‌سازی در شهرهای متوسط و توسعه فضایی منطقه‌ای مورد پژوهشی شهر بجنورد و استان خراسان. نشریه هنرهای زیبا. شماره ۱۲. ۳۴.

۱۸- موحد، علی، مسعودی راد، ماندانا (۱۳۸۸). بررسی نقش و کارکرد شهرهای میانی در توسعه اقتصاد منطقه‌ای (مطالعه موردی: شهر بروجرد). مجله‌ی جغرافیا و توسعه‌ی ناحیه‌ای. شماره ۱۲. بهار و تابستان ۱۳۸۸.

۱۹- مرکز آمار ایران (۱۳۷۵). نتایج سرشماری سال ۱۳۷۵.

۲۰- مرکز آمار ایران (۱۳۸۵). نتایج سرشماری سال ۱۳۸۵.

۲۱- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰.

۲۲- نظریان، اصغر (۱۳۷۴). جغرافیای شهری ایران. چاپ دوم. انتشارات پیام نور.

23- Amy k, & Mark J.McDonnell (2005) Selecting Independent Measure